

## چکیده مطالب جلسه 42 درس خارج اصول آیت‌الله اراکی؟ دب؟

### سال تحصیلی 99\_98

بیان کردیم که:

دلیل اول بر دلالت حصر در «انما» تبادر است.

دلیل دوم که مؤید دلیل اول بود، استعمالات قرآنی «انما» است.

در تمامی موارد قرآنی دلالت بر حصر دارد: > إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ <<sup>۱</sup> > إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ <<sup>۲</sup> و بیان کردیم که حصر اضافی هم حصر است. و همچنین آیه کریمه: > قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ <<sup>۳</sup> که هم «انما» و هم «أَنَّمَا» در این آیه دلالت بر حصر دارند.

دلیل سوم، قول اهل لغت است.

خطیب قزوینی در تلخیص‌المفتاح در بیان ادوات مفید قصر می‌گوید: «و منها النفی و الاستثناء» تا آنجایی که می‌گوید: «و منها انما، لتضمنه معنا النفی و الآ» و بعد می‌گوید: «انما» مثل «ما و الآ» است که معنای حصر را می‌فهماند. و بعد استشهاد می‌کند: «لقول المفسرین: > إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ <<sup>۴</sup> -بالنصب- معناه ما حرم الله علیک الا المیته. و لقول النحاة: انما لاثبات ما یذكر بعده و نفی ما سواه.<sup>۵</sup> زمخشری در کشاف در ذیل آیه > إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ

---

۱. سورة نساء: 171.

۲. سورة رعد: 7.

۳. سورة كهف: 110.

۴. سورة بقره: 173.

۵. مختصر المعانی که شرح بر تلخیص‌المفتاح است؛ ص 82 و 83.

يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ<sup>۱</sup> می‌نویسد: «و معنا انما، وجوب اختصاصهم بالموالاة». یعنی تنها کسانی که در آیه ذکر شده هستند که مخصوص ولایت هستند.

#### مناقشه فخر رازی

فخر رازی منکر دلالت «انما» بر حصر شده است. ایشان بسیار فرد متعصبی است و برای اینکه بتواند «ولی» در آیه: **«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا...»** را به معنای دوست و یا ناصر بگیرد، دلالت «انما» بر حصر را منکر شده. به این علت که اگر «انما» در این آیه دلالت بر حصر کند، دیگر ولیّ به معنای دوست و محبت و یا به معنای ناصر نمی‌تواند باشد؛ زیرا دوستی که فقط برای خدا و رسول نیست بلکه دوستی‌های دیگر بین مؤمنین هم برقرار است؛ و تنها «ولایت» است که می‌تواند مورد حصر قرار بگیرد. لذا تلاش کرده که بگوید «انما» دلالت بر حصر ندارد و دو شاهد دیگر از آیات آورده و گفته در آنها نیز نمی‌تواند حصر وجود داشته باشد:

آیه اول: **«إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنْزِلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَاراً فَجَعَلْنَاهَا حَصِيداً كَأَن لَّمْ تَغْن بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»**<sup>۲</sup> درحالی‌که اینگونه نیست که مثل حیات دنیا، فقط مانند آبی باشد که از آسمان آمده و می‌توان برای دنیا، مثل‌هایی دیگری هم ذکر کرد؛ لذا «انما» در این آیه نمی‌تواند بر حصر دلالت کند.

آیه دوم: **«إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ»**<sup>۳</sup> درحالی‌که در دنیا فقط لهو و لعب نیست؛ بلکه نماز، حج و دیگر کارهای خیر وجود دارد؛ لذا «انما» در این آیه هم نمی‌تواند بر حصر دلالت کند.

۱. سوره مائده: 55.

۲. سوره یونس: 24.

۳. سوره محمد: 36.

پاسخ به اشکال فخر رازی

اولاً که در همین آیات ذکر شده نیز افاده حصر وجود دارد:

در آیه اول: «مَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ» برای مثال آورده شده، و مراد حصر در آن معناست و نه حصر در تمثیل. توضیح اینکه: وقتی می‌فرماید «گَمَاءٍ»، این مَثَل است اما برای چه آمده است؟ این مَثَل برای افاده یک معناییست که باید دید وجه شبه در آن چیست؟ وجه شبه آن «زوال» و «عدم دوام» است و عبارت: «مَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ...» در آیه می‌خواهد در مقام زوال بودن را برساند؛ لذا آیه می‌خواهد بیان کند حیات دنیا، جز حیات زائل و گذرنده نیست؛ نه اینکه فقط همین مثال را بتوان زد و مثال دیگری وجود ندارد. در نتیجه آیه در مقام حصر است و مراد از مَثَل، صورت مَثَل نیست بلکه مراد معنایی است که آن مَثَل می‌رساند و مثال موضوعیت ندارد.

در آیه دوم: مراد از «حیات دنیا»، «حیات اولی» نیست که در مقابل «حیات آخرت» باشد که آیه می‌فرماید: «فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى»<sup>۱</sup> که مراد از «حیات اولی» همین زندگانی قبل از مرگ است. اما وقتی گفته می‌شود «الْحَيَاةُ الدُّنْيَا»، اینجا صفت موصوف است؛ «الْحَيَاةُ الدُّنْيَا» یعنی زندگی پست و زندگی دنیایی. که این متفاوت است با زندگی در دنیا و در همین زندگی قبل از آخرت دو دسته زندگی جود دارد: عده‌ای حیات دنیوی دارند و مشغول به لهو و لعباند و دسته دیگر به اعمال صالح می‌پردازند و زندگی دنیوی ندارند.

شاهد از اینکه مراد از «الْحَيَاةُ الدُّنْيَا» زندگی در دنیا نیست، همین حصر است. به علاوه اینکه قول مفسرین و اهل لغت و نحاة، تایید می‌کند که افاده حصر وجود دارد.

ثانیاً: مثال‌هایی که فخر رازی بیان کرد، همه در حصر موصوف در صفت است؛ و ممکن است گفته شود «انما» در حصر موصوف در صفت دلالت بر حصر ندارد، همانند مرحوم آیت الله خویی که ملتزم به این قول بود- گرچه این قول را در جلسه قبل نقد کردیم و گفتیم در حصر موصوف و صفت هم حصر وجود دارد؛ لکن در حصر صفت در موصوف اینطور نیست و بطور قطع افاده مفهوم وجود دارد و «انما» در آیه: > إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ<<sup>۱</sup> حصر صفت در موصوف است. و این دو مثال ذکر شده با این آیه متفاوت است و نمی‌تواند شاهد باشد که در این آیه حصر وجود ندارد. بنابر این «انما» افاده حصر می‌کند و حصرش مطلق است.

پایان